

یادداشت سردبیر

«طبیعت» و «محیط زیست» دو واژه از زمره واژگانی هستند که در روزگار ما از آنها بسیار نام می‌برند و بصورت‌های مختلف در گزارشها و خبرها و رویدادهای روزانه، در سراسر جهان انعکاس می‌یابند. این انعکاس البته بار معنایی متفاوتی با گذشته دارد و اکنون بسبب اشتباهات سیری ناپذیر بشر در استخراج ذخایر و منابع و دخالت‌های روزافزون و تصرفات گسترده آدمی، بتدریج معنای اصیل، نشاط‌آفرین و الهام‌بخش خود را از دست داده و در عوض، مکان و صحنه‌ی سراسر آلوده و بحران‌زا را به ذهن متبادر می‌کند. برآستی منشأ این دگرگونی و دگردیسی چیست؟ و چرا برخلاف گذشته، نگرانی از تخریب و زوال طبیعت رو به افزایش است؟ قرن‌های متمادی، آدمی از محیط پیرامونی خود برای کسب آرامش، تجدید قوا و رفع نیازهای اصلی و اولیه خود بهره می‌گرفت و مهمتر از همه، «طبیعت» بسان طرح و الگویی اعلی، برای خلاقیت‌های هنری و صنعتی لحاظ میشد و بزبان فلسفی، آدمی همواره در کار «تقلید» و «محاکات»، از طبیعت الهام می‌گرفت و می‌گیرد. به زبان مابعدطبیعی و دینی، تمامی مظاهر هستی، کیهان و افلاک، و از جمله «طبیعت»، نشانه‌ها (آیات) خلقت و آثار صُنع آفریننده است و آدمی با نظر بهمین نشانه‌ها، میتواند راه خود را در نظر و حتی عمل، پیدا کند. میدانیم که نقش طبیعت در تمامی دانش‌ها، صنایع و هنرها آشکار است و در صورت فقدان چنین منبع الهام و خلاقیتی، تصور ظهور حتی یک اثر علمی و هنری بدست بشر منتفی است. و نیز میدانیم هر آنچه که ساکنان طبیعت از آن طلب کرده‌اند، بیدریغ و بیمت در اختیار آنان قرار داده است. با اینهمه، این



ساکنان - درواقع میهمانان- ناسپاس نسبت به میزبان، نه تنها آداب شکرگذاری از میزبان را بجا نیاوردند، بلکه دست تاراج و یغما را دراز کرده و دارایی خدادادی را در مسیر خلاف فطرت و طبیعت بکار گرفتند.

اکنون، اندیشمندان و فیلسوفان هرچه که درباره «فلسفه محیط زیست» بگویند و بنویسند و بهر میزان که سازمانها و دستگاههای عریض و طویل، درصدد نگاهبانی از میراث رو به زوال منابع طبیعی تلاش کنند، در گوش ناشنوای صاحبان قدرت تکنولوژی اثر نمیکند و چنانکه در کتاب خدا توصیف شده است، بشر بدست خویش، خود را تباه میسازد، مگر آنکه به فطرت سلیم و آموزههای وحی بازگردد و از سرکشی در مقابل قانون الهی منصرف شود. به امید آن روز.

سردبیر